

## نقش شاهان اوده در گسترش تشیع

سیدمنظر عباس رضوی\*

### چکیده

گسترش تشیع در منطقه بسیار مهم اوده هند به وسیله عوامل مختلفی صورت گرفته است و یکی از آنها، شاهان و حاکمان بودند. جایگاه شاهان در هر منطقه‌ای بسیار اثربخش می‌باشد؛ زیرا آنان با استفاده از موقعیت و نفوذ سیاسی از یک سو و برقراری روابط مناسب با اندیش‌مندان و دادن جایگاه به عالمان و اقبشار فرهنگی، می‌توانند گام‌های بزرگی در زمینه توسعه علوم، دانش و فرهنگ یک ملت و یا پیروان یک دین و مذهب بردارند.

در این نوشتار تلاش شده است نقش برجسته و ماندگار شاهان اوده هند را در زمینه گسترش تشیع بررسی نموده تا پیشینه تاریخی نفوذ و اقتدار عالمان و فرهیختگان شیعه آشکار گردد. یکی از مهم‌ترین اقدامات آنان فعالیت‌های فرهنگی مانند کمک و یاری به فقیران و غریبان از مردم بود که سبب جذب مذهب تشیع در این طبقات گردید. هم‌چنین ساختن امامبارها، ارایه خدمات به حوزه‌های علمیه از کارهای بایسته این شاهان بود که در این جستار مورد توجه قرار گرفته است.

### واژگان کلیدی

اوده، هند، شاهان اوده، تشیع، حوزه‌های عملیه، امامبار و عالمان شیعی.

\* کارشناس ارشد تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام، جامعه المصطفی العالمیه.

## مقدمه

شاهان اوده در رشد تشیع نقش بسیار مهمی داشتند. آنها کارهای اجتماعی و فرهنگی انجام دادند. در زمان قدیم، برای گسترش و تبلیغ مذهب حق، عزاداری امام حسین علیه السلام ابزار مهمی به شمار می‌رفت. شاهان اوده این عزاداری را بسیار گسترش دادند و پول فراوان صرف می‌کردند تا مردم به تشیع مایل شوند. آنها حسینیه‌ها و مساجد ساختند که از مراکز علمی و فرهنگی به شمار می‌رفت و از آن‌جا، علوم اهل بیت علیهم السلام به دیگران رسانده می‌شد. شاهان همچنین مدارس دینی تشکیل دادند و برای آنها امکانات رفاهی فراهم کردند و برای طلبه‌ها مقرری تعیین نمودند؛ آنها کتاب‌خانه به وجود آوردند و به علما تا حد امکان کمک می‌کردند. وقتی طلبه‌ها از حوزه علمیه فارغ‌التحصیل می‌شدند، به مناطق مختلف می‌رفتند و به تبلیغ تشیع و گسترش مراکز علمی می‌پرداختند و شاهان اوده به آنها کمک می‌کردند.

نقش شاهان اوده در گسترش تشیع عبارتند از:

## الف. اقدامات فرهنگی

در صده هیجدهم، شیرازه مغول پراکنده شد و قدرت مغول‌ها کاهش یافت. اکثر صوبه‌داران اعلام خودمختاری کردند و مستقل شدند و رابطه آنها با دهلی قطع گشت. صوبه اوده از مهم‌ترین صوبه‌های هند بود. در اوده سعادت‌خان برهان‌الملک حکمرانی می‌کرد.

در زمان شجاع‌الدوله و آصف‌الدوله، مردم از دهلی به اوده مهاجرت می‌کردند، در میان آن مهاجران، تاجر، عالم و شاعر نیز بودند. حکمران اوده همه طبقات را پناه می‌داد و با آنها روابط خوبی داشت.<sup>۱</sup> به همین سبب، همه عافیت و امنیت و زمینه پیشرفت خود را در اوده می‌دیدند. مهاجرت از طبقات مختلف، سبب شد که فیض‌آباد و لکنه‌و به اوج شکوفایی رسد و رونق دهلی کم‌رنگ شود. شجاع‌الدوله و آصف‌الدوله پول‌های فراوان برای مردم خرج می‌کردند. عبدالحکیم شرر می‌نویسد:

خزانه آصف‌الدوله و شجاع‌الدوله روی هر کس باز بود.<sup>۲</sup>

۱. گذشته لکنه‌و، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۹۵.

میرزا جعفر علی فصیح در زمان آصف‌الدوله از دهلی به لکنه‌و آمد و به میر ضمیر معروف شد. آصف‌الدوله به او اهمیت خاص می‌داد. میر ضمیر مرثیه‌گو بود و درباره اهل بیت علیهم‌السلام اشعار زیادی گفت و به تشیع خدمت کرد.<sup>۱</sup> رجب‌علی بیگ (متوفای ۱۸۲۹)، نویسنده *فسانه عجایب*، نیز از دهلی به لکنه‌و آمد و واجد علی‌شاه ماهانه به او پنجاه روپیه می‌داد. وی پنج کتاب را به رشته تحریر درآورد.<sup>۲</sup>

شجاع‌الدوله همیشه به هنرمندان و علما عزت و اهمیت می‌داد. بعد از تباهی دهلی، تمام اهل علم، هنرمندان و تاجران، به فیض‌آباد مهاجرت کردند. فیض‌آباد از لحاظ علمی - فرهنگی به درجه‌ای رسید که در آن زمان هیچ منطقه‌ای با آن قابل مقایسه نبود.<sup>۳</sup>

از میان مهاجران، میر مظفر حسین نیز عالم و شاعر بود. وی در زمان آصف‌الدوله به لکنه‌و آمد و از زبان و قلم برای تبلیغ استفاده کرد. آصف‌الدوله به او اهمیت خاص می‌داد. او در ماه محرم مرثیه می‌خواند و سخن‌رانی می‌کرد، اما بیشتر به شاعری معروف است.<sup>۴</sup>

وقتی پادشاه کشمیر به مسلمانان ظلم می‌کرد مسلمانان‌های کشمیر به لکنه‌و پیغام فرستادند که پادشاه کشمیر ظالم است و از او کمک خواستند. امجد علی شاه گفت: «کشمیر دور است. شما به اوده مهاجرت کنید تا در هر زمینه به شما کمک کنم.» مسلمانان زیادی از کشمیر به اوده مهاجرت کردند. امجد علی شاه برای آنها ساختمان بنا کرد و تمام امکانات را فراهم نمود.<sup>۵</sup> امروز آن منطقه به نام محله کشمیری معروف است؛ منطقه‌ای که همه ساکنان آن شیعه هستند. این کار اجتماعی امجد علی شاه، هزاران نفر را به مذهب تشیع درآورد. اکنون سؤال این است که چرا مسلمانان کشمیر از امجد علی شاه کمک خواستند، حال آن‌که دهلی، به پنجاب و مناطق دیگر کشمیر نزدیک بود؟ شاید یک وجه این بود که آنها می‌دانستند که فرمان‌روای اوده کسی را ناامید نخواهد کرد. سخاوت، هم‌دلی و کمک شاهان اوده بین مردم مشهور بود.

۱. همان، ص ۱۰۱.

۲. تاریخ اوده، ص ۳۰۵.

۳. تاریخ فرح بخش، ص ۱۲۱.

۴. شاعران اهل بیت، ص ۴۲۳.

۵. شیعیون پر کیا گلری، ص ۷۳.

در زمان آصف‌الدوله، مردم از هر دین و مذهب، عزاداری و تعزیه برپا می‌کردند. در ماه محرم، نماینده کمپانی شرقی برای دیدار از مجالس عزا و تعزیه، از کلکته به پایتخت اوده (لکنهو) می‌آمد و آصف‌الدوله خودش با لباس سیاه از او استقبال می‌کرد.<sup>۱</sup>

شاهان اوده در ماه محرم، به نام ائمه اطهار علیهم‌السلام به فقرا و غربا غذا و پول می‌دادند. در اوده همه عزاداری می‌کردند که ابزاری مهم برای تبلیغ بود. آصف‌الدوله به مجالس عزا می‌رفت و پول فراوان به عزاداران و تعزیه‌داران می‌داد. وی به نسبت مسلمانان، به هندوها و به نسبت شیعیان، به سنیان پول، نقره و طلای بسیار عطا می‌کرد. مرثیه‌گویان و شاعران اهل بیت علیهم‌السلام را بسیار عزیز می‌داشت و برای آنها پول فراوان صرف می‌کرد؛ چون آنها در آن زمان، همان مبلغ بودند.<sup>۲</sup>

عزاداری، مهم‌ترین کار فرهنگی شاهان اوده برای گسترش تشیع بود. در مهم‌ترین مرکز عزاداری، یعنی اوده، فقط شیعیان عزاداری نمی‌کردند. بلکه عزاداری به همه طبقات تعلق داشت. شاهان اوده ماه محرم را تعطیل رسمی اعلام کردند.<sup>۳</sup>

ساخت امام‌باره (حسینیه) نیز از فیض‌آباد شروع شد. اولین امام‌باره را خانم صفدر جنگ جهان بیگم بنا کرد.<sup>۴</sup> این امام‌باره هنوز وجود دارد. دومین امام‌باره را خانم شجاع‌الدوله بهو بیگم بنا کرد. این امام‌باره نیز هنوز باقی است. تمام کارهای مذهبی در این امام‌باره‌ها شکل می‌گرفت.<sup>۵</sup>

نواب شجاع‌الدوله نیز به عزاداری خیلی عقیده داشت. اگر در ماه محرم جنگی پیش می‌آمد، وی جنگ را متوقف می‌کرد و در خیام‌های فوج، مجلس عزا بر پا می‌ساخت و تمام لشکریان عزاداری می‌کردند. در سال ۱۱۷۶ قمری جنگ پانی پت پیش آمد. شجاع‌الدوله در میدان جنگ بود. او لباس سیاه پوشید، علم امام حسین علیه‌السلام را بر دوش گرفت و سر و پا برهنه از خیمه شاه، همراه عزاداران به مجلس عزا رفت. سیدغلام علی این طور نقل می‌کند:

سیه‌پوش شدن نواب والا قدر است در محرم‌الحرام و گذشتن با جامعه سیه‌پوشان از پیش در خانه پادشاهی به این هیأت که هر یک از آنها سر و پا برهنه علم

۱. لکنهوی کی عزاداری، ص ۸۴.

۲. تنویر امامت، ص ۵۴.

۳. همان، ص ۱۲۱.

۴. لطائف اشرفی، ص ۲۶۸.

۵. عزاداری، ص ۱۵.

بر دوش گرفته و به سر و سینه می‌زد و نواب هم به همین صورت، شریک حالشان بود.<sup>۱</sup>

بعد از شجاع‌الدوله، آصف‌الدوله پایتخت اوده را از فیض‌آباد به لکنه‌و منتقل کرد. به همین سبب، تمام شوکت و رونق عزاداری، از فیض‌آباد به لکنه‌و منتقل شد. در فیض‌آباد مادر آصف‌الدوله بهو بیگم، باقی ماند؛ به همین سبب، عزاداری در فیض‌آباد کم‌رنگ نشد، ولی در لکنه‌و و اطراف آن بسیار رونق گرفت.<sup>۲</sup>

هندوها نیز تعزیه‌داری می‌کردند و وقتی به (حسینه‌ها) می‌رسیدند، سر را مؤذبانه خم می‌کردند و همراه شیعیان بر فرش عزا می‌نشستند. مسیحی‌ها و مجوسی‌ها نیز پا برهنه و سر برهنه در مجلس عزا شرکت می‌کردند.<sup>۳</sup> خانم خیرات حسین می‌نویسد:

خادم من مجوسی بود لکن در ماه محرم‌الحرام، چهل روپیه (پول) برای عزاداری خرج می‌کرد؛ مثل مسلمانان از اول محرم‌الحرام تا روز عاشورا سوگواری امام حسین علیه السلام می‌کرد.<sup>۴</sup>

تمام شاهان اوده به عزاداری اهمیت بسیار می‌دادند، ولی سعادت‌علی‌خان در این زمینه ممتاز بود؛ زیرا پیش از او فقط دهه اول محرم عزاداری بر پا می‌شد، ولی از زمان وی، تا چهلم ادامه داشت. در زمان غازی‌الدین حیدر، عزاداری بسیار شکوفا شد او در لکنه‌و حرمی شبیه روضه امام علی علیه السلام به نام «شاه نجف» ساخت و به کمپانی شرقی برای عزاداری پول زیاد داد تا بعد از وی همیشه در نجف اشرف عزاداری ادامه داشته باشد. آن پول هنگامت اکنون موجود است و در شاه نجف، از همان پول خرج عزاداری می‌شود.<sup>۵</sup>

سلطان عالم واجد علی شاه اختر، آخرین تاج‌دار اوده، خود مرثیه‌خوان بود و به عزاداری بسیار عقیده داشت. وی عزاخانه‌ای به نام «قصر‌العزا» ساخت. عزاداری فقط به فیض‌آباد و لکنه‌و محدود نبود، بلکه خارج از این دو مرکز نیز مقبول خاص و عام بود. در اوده منطقه‌ای نبود که در آن عزاداری برپا نشود؛<sup>۶</sup> چون در این منطقه جاگیرداران شیعه وجود داشتند و از لحاظ مسافت، به لکنه‌و نزدیک بودند.<sup>۷</sup>

۱. عماد‌السعادت، ص ۸۳.

۲. همان.

۳. تنویر امامت، ص ۵۴.

۴. همان، ص ۱۷.

۵. شاهان اوده، ص ۲۶.

۶. همان، ص ۳۲.

۷. اوده، ص ۵۵.

گسترش تشیع در هند است، مدیون مراسم سوگواری برای سیدالشهدا است. حسینیه‌های فراوانی که به نام امام‌باره ساخته می‌شود، گاه بیش از مساجد است یا لازم و ملزوم یک‌دیگرند؛ یعنی هر جا حسینیه است مسجد هم وجود دارد.

شهر لکنهو پایتخت شاهان اوده، امتیاز خاصی دارد. در زمان گذشته به آن شهر باغات گفته می‌شد؛<sup>۱</sup> زیرا باغ‌های فراوانی داشت، ولی اگر به لکنهو شهر حسینیه‌ها (امام‌باره) گفته شود نیز اشتباه نیست؛ زیرا در هر محله‌ای، دو تا چهار حسینیه بزرگ وجود دارد. در بعضی از حسینیه‌ها قبوری دیده می‌شود؛ چون کسانی که در ساخت و تعمیر نقش داشته‌اند، وصیت کرده‌اند که آنها را در حسینیه دفن کنند؛ مانند قبر آصف‌الدوله یا قبر غازی‌الدین حیدر در حسینیه شاه نجف اشرف و یا قبر امجدعلی شاه در چهوئا.<sup>۲</sup>

#### امام‌باره آصفی

این حسینیه از لحاظ بزرگی و زیبایی شهرت دارد. این امام‌باره را آصف‌الدوله ساخت و در کنار آن رومی گیت (درب بزرگ) را بنا کرد. امام‌باره آصف‌الدوله ۱۶۳ فوت طول، ۵۳ فوت عرض و ۵۰ فوت ارتفاع دارد. دیوارها شانزده فوت است؛ ساختمانی بدون آهن و چوب.<sup>۳</sup> بالای حسینیه آصفی سه طبقه بهول بهلیا (مکان‌های دیدنی) است که ۴۸۹ درب دارد. اگر کسی در این مکان‌ها داخل شود، بدون راهنما نمی‌تواند بیرون بیاید. نزدیک حسینیه آصف‌الدوله، چهوئا امام‌باره (حسینیه کوچک) است که امجدعلی شاه آن را بنا کرد و از لحاظ زیبایی بی‌نظیر است. جهان‌گردان زیادی برای تماشای این ساختمان‌ها به آن جا می‌آیند. یکی از جهان‌گردان اروپایی، با دیدن حسینیه آصفی از روی تعجب گفت:

من بهتر از حسینیه آصفی تا حالا هیچ ساختمانی ندیده‌ام. در این ساختمان چقدر تنوع، نفاست و زیبایی است و محکم است، تمام اصول تناسب در این موجود است.<sup>۴</sup>

در شهر لکنهو دوازده حسینیه بزرگ و معروف وجود دارد. حسینیه‌های کوچک نیز بسیار است که شاه‌کار معماری اسلامی را در آن زمان نشان می‌دهد. بعضی از حسینیه‌ها

۱. گذشته لکنهو، ص ۱۱۷.

۲. اوده، ص ۱۱۰.

۳. لکنهو کی دو تاریخی امام بادی، ص ۶.

۴. تیو آف جرنی، ص ۱۵.

را پیروان مذاهب دیگر ساخته‌اند؛ مانند امام‌بارہ راجہ چہاولال در سال ۱۲۲۹ قمری. یا امام‌بارہ ولایتی، زن نصیرالدین شاہ کہ فردی غیر مسلمان بود ولی بچہ‌ہای او شیعہ شدند.<sup>۱</sup>

شبیبہ‌سازی حرم‌ہای ائمہ اطہار علیہم السلام و مساجد مانند مسجد کوفہ یا حرم امیرالمؤمنین علیہ السلام در زمان شاہان اودہ با مہارت‌ہای بسیاری صورت گرفت؛ بہ طوری کہ کوچک‌ترین اختلافی بین مکان اصلی با مکان شبیبہ‌سازی شدہ وجود ندارد. این مکان‌ہا محترم ہستند. مردم از تمام فرق و مذاہب در آن جا سر ارادت خم می‌کنند. این کارہا در رشد تشیع بسیار مؤثر بود. در زمان شاہان اودہ مدارس زیادی ساختہ شد؛ مانند سلطان‌المدارس و مدرسہ سلطانیہ کہ در آنہا علوم اہل بیت علیہم السلام تدریس می‌شود. نصیرالدین در چوک لکنہو بیمارستانی تأسیس کرد کہ در آن خدمات رایگان بہ بیماران عرضه می‌شود و دارای پزشکان حاذقی است؛ ہم‌چنین مکان خیریہ‌ای ساخت کہ بہ افراد بی‌خانمان، نابینا یا بی‌وارث و مددکار، خدمات رایگان عرضه می‌کرد.<sup>۲</sup> بہ افراد بیمار پس از بہبود و ترخیص از بیمارستان، بہ اندازہ‌ای پول دادہ می‌شد کہ او می‌توانست زندگی خودش را بہ راحتی ادامہ دہد.<sup>۳</sup>

### ب) خدمات بہ حوزه‌ہای علمیہ

شیعہ در ہند، دارای تاریخ دیرینہ‌ای است و در ہر دورہ افراد برجستہ‌ای وجود داشتہ‌اند. لذا می‌توان گفت کہ شیعیان ہند در دفاع از مکتب اہل بیت علیہم السلام با شیعیان جہان ہم‌راہی کردہ‌اند و حکومت‌ہای آنہا دانش‌دوست و دانش‌پرور بودہ‌اند. بعد از تشکیل دولت تشیع در اودہ، علما و پادشاہان بہ این فکر افتادند کہ برای حفظ آداب و معارف شیعہ باید مراکز شیعیان را از معرکہ استکبار و استعمار سالم نگہ دارد. لذا علما با حمایت و کمک پادشاہان، مراکز فرهنگی و آموزشی تأسیس نمودند. این مراکز در نشر فرهنگ و تمدن اسلامی نقش مہمی داشتند. مراکز آموزشی و مدارس علمیہ شیعیان بیشتر در لکنہو بود و در شہرہای دیگر نیز مراکز فرهنگی و آموزشی تأسیس شد. در آن زمان، ساخت و ساز و امکانات اودہ در درجہ بالایی قرار داشت و این مراکز با حمایت

۱. لکنہو کی عزاداری، ص ۲۵۸.

۲. شیعیون پرکیا گندری، ص ۱۰۵.

۳. همان، ص ۱۱۰.

حاکمان اوده، پیش‌رفت می‌کرد و تمام مخارج به عهده پادشاهان بود و آنها برای دیدار از آن مراکز شخصاً می‌آمدند و کمک و حمایت می‌کردند.<sup>۱</sup> همان‌طور که گفته شد، مدرسه سلطان‌المدارس و سلطانیه، اولین و بزرگ‌ترین حوزه‌علمیه در اوده، با حمایت و کمک پادشاهان تأسیس گشت و مدرسه ناظمیه و غیره نیز بنا شد.<sup>۲</sup>

### ج) کمک به عالمان

سال ۱۱۸۸ قمری شیعیان در شمال هند کاملاً از تقیه بیرون آمدند. آنها طبق احکام و اصول و فروع خود عمل می‌کردند. مدارس شیعی نیز در آن زمان به‌وجود آمد. همان کارهایی که شاه اسماعیل صفوی در ایران انجام داد، آصف‌الدوله در اوده انجام داد. این اولین بار بود که شیعیان در شمال هند تشخص یافتند و رسماً شناخته شدند. این کارها را دلدار علی، با کمک آصف‌الدوله و وزیرش سرافرازالدوله انجام داد.<sup>۳</sup>

برخی از پادشاهان اوده، زمام حکومت را به عالم زمان خویش می‌سپردند. از تاریخ استفاده می‌شود که اگر کوشش‌های این فرمان‌روایان نبود، نامی از مذهب شیعه در هند باقی نمی‌ماند؛ زیرا فرقه‌های فراوانی در هند مانند صوفیان، وهابیان، ناصبیان و غیره، می‌کوشیدند تا تشیع را از هند بردارند. این پادشاهان در راه دین و نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام طلا و نقره و اموال فراوان خرج کردند. آنها فقط شیعه و مدافع مذهب اهل بیت علیهم‌السلام نبودند، بلکه مردمی عادل و سخاوتمند به‌شمار می‌رفتند و با غریبان و مساکین بسیار مهربان بودند و علما در کارهای آنها شرکت داشتند. شاهان اوده به علمای شیعی به شدت محبت می‌ورزیدند. لذا لکنه‌و پایتخت مملکت اوده، مرکز تشیع بود و علما، ادبا، فلاسفه و شعرای زیادی در آن‌جا وجود داشت.

غفرانمآب و شاگردان او، با کمک آصف‌الدوله و سرافرازالدوله، به نجف اشرف رفتند. وی بعد از تحصیل علوم دینی، به هند بازگشت و تشیع را در هند گسترش داد و نقش بسیار مؤثری در راه توسعه تشیع در شمال هند داشت. در دوره محمدعلی شاه (۱۲۵۸ - ۱۲۷۴ ق) در اوده قوانین شیعی، جانشین قوانین حنفی در محاکم شرع گردید. سیدامجد

۱. عوامل مهاجرت شیعه به هند، ص ۱۵۰.

۲. همان، ص ۱۱۷.

۳. گذشته لکنه‌و، ص ۳۳.



علی‌شاه بسیار مذهبی و دین‌دار بود. در زمان او، عنان سلطنت در دست دو عالم شیعه به‌نام‌های سلطان‌العلماء سیدمحمد مجتهد و سیدالعلماء سیدحسین مجتهد بود.<sup>۱</sup> غازی‌الدین نیز فکر کرد که حکومت در دست او جایز نیست و باید مجتهد عنان حکومت را در دست گیرد. لذا سلطنت را به سیدمحمد مجتهد واگذار کرد و گفت: «شما مجتهد زمان ما هستید و بیشتر اهلیت دارید که بر ما حکومت کنید.» سیدمحمد نیز تخت و تاج شاهی را به او واگذار کرد و گفت: «طوری حکومت کن که اسلام می‌خواهد.» این‌طور دولت اوده در حدود شرع درآمد.<sup>۲</sup>

تاج‌گذاری شاهان اوده به‌دست سیدمحمد بود. وقتی امجدعلی شاه فرمان‌روای اوده شد، به سیدمحمد مجتهد گفت: «حق حکومت بیشتر با شماست.» سیدمحمد مجتهد به او گفت: «شما به اعتبار نیابت و جانشینی من حکومت کن.» در این زمان فروختن شراب ممنوع شد. این اولین بار بود که در قلمرو اوده، مغازه‌های شراب‌فروشی بسته شد و برای زن‌های فاحشه، حکم کردند که با اشخاص صالح ازدواج کنند و از کارهای انحرافی توبه نمایند.<sup>۳</sup>

شاهان اوده به علما و مبلغان شیعه کاملاً کمک می‌کردند. مانند غفران‌آباد به مناطق مختلف مبلغ می‌فرستاد؛ برای مثال، مولانا عبدالعلی و فرزندش به فیض‌آباد، میرزا اسماعیل به حیدرآباد دکن، مولوی عبادت حسین به امره و سبحان‌علی‌خان به الله‌آباد رفتند. اینها در مناطق خود مرکز علمی دایر کردند. این کارها در زمان آصف‌الدوله (۱۱۸۸-۱۲۱۲ق) انجام شد.<sup>۴</sup>

برخی از علما نیز برای کمک به شاهان اوده، از کشورهای مختلف به هند مهاجرت کردند؛ مانند شیخ محمدمهدی استرآبادی که در سال ۱۲۴۰ عازم هند شد و غازی‌الدین حیدر از او استقبال کرد. وی شهر لکنه‌و را مسکن خویش قرار داد و در همان‌جا وفات یافت او مرجع تقلید هند بود و رهبری می‌کرد. وی تمام عمر را در تألیف و پرورش طلاب صرف نمود. او بیست کتاب در علوم مختلف نوشت.<sup>۵</sup>

۱. تاریخ اوده، ج ۵، ص ۵.

۲. همان، ص ۳۹.

۳. تاریخ اوده، ص ۱۲۳.

۴. همان، ص ۱۶۰.

۵. الدرر، ج ۲، ص ۲۲۰، نجوم‌السماء، فی تراجم‌العلماء، ص ۳۹۵، دایره‌المعارف تشیع، ج ۲، ص ۱۲۱.

مولانا یمنی نیز که متولد یمن بود، پس از اخذ کمالات علمی به هند آمد و شهر کلکته را محل سکونت خود قرار داد. سپس به بنارس رفت و همان جا وفات یافت. چون آب و هوای کلکته با طبع وی ناسازگار بود، به دربار غازی‌الدین حیدر پناه برد. او عالم برجسته‌ای به‌شمار می‌آمد و در ابتدا تحت تعلیم پدر بزرگوار خود بود؛ لغت و ادب را در محضر استاد محسن بن عیسی و بهاء‌الدین فرا گرفت و فقه شافعی را از شیخ علی بن یحیی یمانی آموخت. وی چهارده کتاب نوشت.<sup>۱</sup>

### نتیجه

محمدامین برهان‌الملک بنیان‌گذار دولت اوده است. شاهان اوده فرهنگ تشیع را فروغ دادند؛ به‌ویژه آصف‌الدوله در شهر لکنهو، کارهایی انجام داد که هم اکنون جهانیان به آن توجه دارند؛ مانند ساخت حسینیه آصف‌الدوله که از عجایب عالم به‌شمار می‌رود. لکنهو از لحاظ فرهنگ و تمدن شیعی، بر شهرهای هند برتری دارد؛ زیرا این شهر بعد از شجاع‌الدوله، پایتخت دولت شاهان اوده بود و بیشتر مراکز علمی و فرهنگی شیعی در آن وجود داشتند و علمای قدیم در همین شهر زندگی می‌کردند. یکی از ویژگی‌های شاهان اوده این است که آنها عزاداری را در اوده به اوج رساندند. همه مردم هر مذهب و ملت، عزاداری می‌کردند. و شاهان اوده به علمای شیعه و مراکز علمی و فرهنگی شیعی کمک می‌نمودند. آنان مدارس علمی ساختند. این کارها سبب شدند تا تشیع در اوده گسترش یابد.

کمپانی شرق در هند یکی از مشکلات در دسر ساز بود. شجاع‌الدوله دو بار با آن جنگید، ولی شکست خورد. بعد از این نوایین اوده با رضایت کمپانی تعیین می‌شدند. در زمان واجدعلی شاه، کمپانی می‌خواست با زور بر اوده غلبه یابد. واجدعلی شاه در کلکته بود و بین اوده و کمپانی جنگ شروع شد. اوده در این جنگ شکست خورد و بعد از این، کمپانی تمام اوده را به تصرف خود در آورد و اسم آن را عوض کرد و آن را اترپردیش نامید.

۱. تذکره گلشن، ج ۹، ص ۵۶۷.

## منابع

۱. اشرفی، لطایف اشرفی، ج ۲، خطی.
۲. آغامهدی رحمت الله، شیعوں پر کیا گندری، کراچی، سال ۱۹۷۰.
۳. تصدق حسین، لکنہو کی دو تاریخی امام بادی، چاپ استقلال، لکنہو، سال ۱۹۵۱.
۴. تهرانی، آقابرگ، الذریعہ، چاپ دوم، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ ق.
۵. خان بہادر، علی حسن، تذکرہ صبح گلشن، ج ۹، کلکتہ، ۱۲۹۵ ق.
۶. سیدعلی، عمادالسعادت، نظام پر لکنہو، ۱۹۴۵ء.
۷. شرر، عبدالحلیم، گذشتہ لکنہو، نولکشور لکنہو، ۱۹۲۱ء.
۸. مسز، خیرات حسین، تنویر امامت، نوالکشور لکنہو، ۱۸۳۲ء.
۹. منشی، فیض بخش، تاریخ فرح بخش، نوالکشور لکنہو، ۱۹۳۱ء.
۱۰. نجم الغنی، تاریخ اودہ، ج ۵، نولکشور لکنہو، ۱۹۲۳ء.
۱۱. ہادی، حسین علی، لکنہو کی عزاداری، نوالکشور لکنہو، ۱۹۷۹ء.